

نقش خلیج فارس در توسعه آسیا

(بررسی موردی: کشورهای چین، هند، ژاپن و کره جنوبی)

دکتر علی زینی وند

دکتر بهادر زارعی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

■ سرشناسه: زینی وند، علی، ۱۳۵۱ ■ عنوان و نام پدیدآورنده: نقش خلیج فارس در توسعه آسیا (پروسی
موردی: کشورهای چین، هند، ژاپن و کره جنوبی) ■ مشخصات نشر: تهران: نشر انتخاب، ۱۳۹۳. ■ مشخصات
ظاهری: ۲۰۲ ص.

ISBN: 978-600-7326-51-0

■ وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی: فیهیای مختصر ■ یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است. ■ شناسه افزوده: زارعی، بهادر، ۱۳۴۶. ■ شماره کتابشناسی
ملی: ۳۷۸۰۱۱۶



نشر انتخاب

ناشر دانشگاهی و عمومی

نقش خلیج فارس در توسعه آسیا
دکتر علی زینی وند - دکتر بهادر زارعی

| خرویدچینی | نوژن گرافیک | چاپ و صحافی: موسسه مهرداد |
| قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال | چاپ اول: ۱۳۹۳ | عددگان: ۱۰۰۰ جلد |
| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۶-۵۱-۰ |

حق چاپ محفوظ است

خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۱۴۶، طبقه چهارم
nashreentekhab.com
nashreentekhab@gmail.com

کلیات

فصل اول:

مبانی نظری

۱۶.....	مقدمه
۱۷.....	۱- وابستگی متقابل
۲۰.....	۲- مبانی نظری توسعه
۲۳.....	۲-۱. توسعه اقتصادی
۲۵.....	۳- رویکرد ژئواکونومیک

فصل دوم: جایگاه تاریخی و اهمیت استراتژیکی - اقتصادی خلیج فارس

۳۰.....	مقدمه
۳۱.....	موقعیت ارتباطی و استراتژیک خلیج فارس
۳۳.....	وضعیت منابع انرژی خلیج فارس
۳۸.....	راهبرد ژئواکونومیک انرژی و خلیج فارس

فصل سوم: نقش انرژی و مبادلات تجاری خلیج فارس در توسعه چین

۵۴.....	مقدمه
۵۵.....	تحول در سیاست و روابط خارجی چین با رویکرد توسعه گرای
۵۷.....	چین و اهمیت راهبردی خلیج فارس
۵۸.....	۱- ملاحظات راهبردی چین در خلیج فارس
۵۸.....	۱-۱. ملاحظات اقتصادی
۵۹.....	۲-۱. واردات نفت و گاز
۶۶.....	۳-۱. سرمایه گذاری در میادین نفتی
۶۸.....	۲- توسعه بازار کالاهای مصرفی و واسطه ای
۷۰.....	۳- بازار صدور اسلحه

- ۴- ملاحظات امنیتی ۷۱
- مبادلات تجاری و روابط اقتصادی چین با کشورهای حوزه خلیج فارس ۷۳
- ۱- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با ایران ۷۵
- ۱-۱. همکاری بلند مدت ایران و چین در زمینه نفت و گاز ۷۸
- ۱-۲. خرید سالانه دو میلیون متر مکعب LNG از ایران ۷۸
- ۱-۳. واگذاری امتیاز توسعه برخی میدان های نفتی به چین ۷۹
- ۲- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با عربستان ۸۰
- ۳- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با عراق ۸۲
- ۴- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با عمان ۸۴
- ۵- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با امارات متحده عربی ۸۵
- ۶- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با کویت ۸۷
- ۷- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با قطر ۸۸
- ۸- مبادلات تجاری و اقتصادی چین با بحرین ۹۰

فصل چهارم: نقش انرژی و مبادلات تجاری خلیج فارس در توسعه هند

- مقدمه ۹۶
- تحول در روابط و سیاست خارجی هند با گرایش به رویکرد توسعه محور ۹۷
- اهمیت ذخایر انرژی در راهبرد هند ۱۰۲
- سبد انرژی هند ۱۰۵
- هند و جایگاه استراتژیک خلیج فارس ۱۰۶
- مبادلات اقتصادی و تجاری هند با کشورهای حاشیه خلیج فارس ۱۱۳
- ۱- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با ایران ۱۱۴
- ۲- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با عربستان ۱۱۸
- ۳- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با قطر ۱۱۹

۱۲۱.....	۴- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با عمان
۱۲۵.....	۵- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با امارات متحده عربی
۱۲۶.....	۶- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با بحرین
۱۲۸.....	۷- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با کویت
۱۳۰.....	۸- مبادلات تجاری و اقتصادی هند با عراق

فصل پنجم: نقش انرژی و مبادلات تجاری خلیج فارس در توسعه ژاپن

۱۳۸.....	مقدمه
۱۳۹.....	نگاهی به روند توسعه ژاپن
۱۴۰.....	ژاپن و خلیج فارس
۱۴۰.....	۱- راهبرد امنیتی ژاپن در خلیج فارس
۱۴۳.....	۲- ژاپن و جایگاه انرژی خلیج فارس
۱۴۶.....	۳- ژاپن و اهمیت بازار مصرف کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۴۷.....	۴- مبادلات تجاری ژاپن با کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۴۸.....	۴-۱. مبادلات تجاری و اقتصادی ژاپن با کشورهای عضو شورای همکاری
۱۵۲.....	۴-۲. مبادلات تجاری و اقتصادی ژاپن با ایران
۱۵۴.....	۴-۳. مبادلات تجاری و اقتصادی ژاپن با عراق

فصل ششم: نقش انرژی و مبادلات تجاری خلیج فارس در توسعه کره جنوبی

۱۵۸.....	مقدمه
۱۵۹.....	مروری تاریخی بر رشد اقتصادی کره جنوبی
۱۶۲.....	توسعه صادرات مهمترین عامل پیشرفت کره جنوبی
۱۶۵.....	تاثیر خلیج فارس بر توسعه کره جنوبی
۱۶۹.....	مبادلات تجاری و اقتصادی کره جنوبی با کشورهای حوزه خلیج فارس

۱- مبادلات تجاری و اقتصادی کره جنوبی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس GCC ...	۱۶۹
۱-۱. همکاری در زمینه انرژی	۱۷۰
۱-۲. همکاری های تجاری غیر نفتی	۱۷۲
۲- مبادلات تجاری و اقتصادی کره جنوبی با ایران	۱۷۵
۳- مبادلات تجاری و اقتصادی کره جنوبی با عراق	۱۷۷
فرجام سخن	۱۸۱
منابع و مأخذ	۱۸۹
فارسی	۱۸۹
انگلیسی	۱۹۵

مقدمه

خلیج فارس از نظر استراتژیک، به عنوان مهم ترین مرکز ارتباطی میان چند قاره بوده و بخشی از یک سیستم ارتباطی است که دریای عمان، دریای مدیترانه، دریای سرخ، اقیانوس هند، آرام و اطلس را به هم پیوند می دهد. امروزه موقعیت و منزلت جغرافیایی خلیج فارس در رابطه با کشورهای پیرامون آن، ارزش غیرقابل انکاری دارد. با توجه به اینکه خلیج فارس هشت کشور کناره خود را با اقیانوس هند مرتبط می کند، به صورت یک منطقه عملیاتی، همواره در استراتژی های نظامی قدرت های بزرگ طی سه دهه گذشته، مورد توجه و رصد بوده است. از طرف دیگر، با کشف نفت و اهمیت روزافزون این صنعت استراتژیک در دنیا و نقش بی بدیل آن در پیشرفت صنعتی کشورها، علاوه بر اهمیت استراتژیکی این منطقه، اهمیت ژئواکونومیک آن نیز در عرصه نظام بین الملل، خصوصاً برای قدرت های بزرگ و نیز قدرت های نوظهور اقتصادی، نمایان گشته است. خلیج فارس با داشتن ۷۵۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت که تقریباً ۶۰ درصد از ذخایر شناخته شده جهان را تشکیل می دهد، بزرگترین مخزن نفتی جهان است. علی رغم تلاش های انجام شده برای جانشین کردن انواع دیگر انرژی، تولید و حمل و نقل نفت و فرآورده های نفتی به لحاظ اقتصادی، با صرفه تر است و با گذشت سال ها تلاش، نفت همچنان اولین و مهم ترین انرژی مصرفی جهان است. بر اساس آمار و ارقام مربوط به پیش بینی انرژی های مصرفی جهان در آینده، بازهم نفت و گاز در رتبه اول انرژی های مصرفی بشر قرار خواهد گرفت. پیش بینی ها نشان می دهد که وابستگی جهان به نفت رو به افزایش است و از ۸۵/۵ میلیون بشکه در روز در سال (۲۰۱۰)، به ۹۱ میلیون بشکه در سال (۲۰۱۵)، و ۱۰۵/۵ میلیون بشکه در سال (۲۰۳۰) خواهد رسید. در کنار

جایگاه استراتژیکی و ژئواکونومیکی، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به سبب برخورداری از درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت و گاز و دارا بودن جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون نفر و نیز به دلیل وابستگی شدید به واردات کالا و خدمات، بازار مصرف بزرگ و جذابی را پدید آورده اند که این عوامل، نوعی وابستگی متقابل بین این منطقه، قدرت های فرامنتقه ای و کشورهای مهم آسیایی ایجاد کرده است و ظرفیت های این منطقه مهم و بین المللی سبب ایجاد توسعه در آسیا و به عبارتی «توسعه آسیایی» گردیده است. در کنار این مولفه ها، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم نیز، تغییرات بنیادی و عمده ای در حوزه های معرفتی و شناختی جوامع علمی و سیاسی به دنبال داشت. یکی از مفاهیم نوینی که بعد از این فروپاشی در عرصه روابط بین الملل و ژئوپلیتیک، جهت تحلیل مسائل راهبردی و بین المللی و رقابت قدرت ها از آن بهره می برند، رویکرد ژئواکونومیک است. ظهور این رویکرد جدید که در چارچوب آن روابط میان انسان در مقام بازیگر اقتصادی، با فضایی که در آن تحول می یابد مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد، موجب شد تا برخی از سیاست پردازان کشورها، از این مفهوم تعبیر جنگ اقتصادی نمایند و از این طریق بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست دولت ها تاکید کنند و بر همین اساس در راهبردها و رویکردهای خود خصوصا در عرصه های سیاست خارجی، تحول بنیادی ایجاد نمایند. کشورهای مهم آسیایی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی هم با درک این موضوع در چند دهه اخیر، اگر چه با تقدم و تاخر، تلاش های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای نفتی این منطقه، به ویژه کشورهای اصلی دارنده منابع هیدروکربوری انجام داده اند تا در پرتو آن بتوانند هم سهم خود را از ذخایر انرژی این منطقه افزایش دهند و هم از تعاملات سیاسی، تجاری و نظامی با کشورهای حوزه خلیج فارس، بهره برداری لازم را در راستای سرعت بخشیدن بیشتر به توسعه کشورشان بعمل آورند. کتاب در هفت فصل سازماندهی شده است. فصل اول به کلیات پژوهش، فصل دوم مبانی نظری تحقیق، فصل سوم به تجزیه و تحلیل موقعیت تاریخی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی خلیج فارس و فصول چهارم تا هفتم، به بررسی تفصیلی روابط کشورهای چین، هند، ژاپن و کره جنوبی با هشت کشور حاشیه خلیج فارس اختصاص یافته و در پایان نیز به جمع بندی و نتیجه گیری نهایی پرداخته است.

خلیج فارس و مسأله توسعه آسیا

رشد و توسعه اقتصادی هر کشور علاوه بر اتکا به منابع داخلی و یا نقش دولت، به نحوه تعامل آن کشور با نظام بین‌المللی نیز بستگی دارد و در تعامل دو حوزه داخلی و بین‌المللی، ظرفیت‌های یک کشور برای رشد و توسعه شکوفا می‌گردد. در حالی که خاورمیانه در وضعیت سیاسی خشونت بار، بحران‌های منطقه‌ای و جنگ‌های سرد و گرم درگیر بوده و کشورهای این منطقه به سوی نزاع و کشمکش در حرکت بوده‌اند، طی چهار دهه گذشته، جهت‌گیری آسیای شرقی به سمت آرامش و پیشرفت بوده است. آخرین اتفاق نظر کشورهای خاورمیانه به شوک نفتی سال ۱۹۷۳ برمی‌گردد. اختلاف دیدگاه در مسئله فلسطین، انقلاب ۱۹۷۹ ایران، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱، رژیم جهادی ساقط شده افغانستان، تهاجم ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، ناامنی در منطقه، مسئله شیعه و سنی، بحث حکومت خوب و نقش اسلام، انقلاب و تحول در برخی از کشورهای عربی تحت عنوان بهار عربی یا بیداری اسلامی و تحولات و وقایع فراوان دیگر، شکاف میان کشورهای خاورمیانه- آسیای غربی را بیشتر نموده و تنش در این حوزه حساس از دنیا را افزون نموده است. در چنین فضایی، کشورهای چینی، هند، ژاپن و کره جنوبی که از نظر اقتصادی به دولت‌های نئولیبرال توسعه‌گرا معروف شده‌اند، با استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه‌ای و جهانی، در حال گذر به سمت یک منطقه قدرتمند جهانی هستند.

چین و هند به عنوان دو غول بزرگ آسیایی از رشد فزاینده اقتصادی برخوردارند. برای نمونه، طبقه متوسط در هند که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر را در برمی‌گیرد، از قدرت خریدی حدود سه هزار دلار در ماه برخوردار است. بر اساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی، هند بعد از آمریکا و چین تا سال ۲۰۲۵، به سومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد. در چین نیز سطح دستمزدها طی دو دهه گذشته، به طور مداوم افزایش یافته و توسعه اقتصادی حاصل شده در بخش‌های مختلف، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد کرده است. بالاترین سطح دستمزدها در چین متعلق به مناطق توسعه یافته‌تر از نظر اقتصادی می‌باشد. بر اساس آمار موجود، تعداد خودروهای شخصی چین در سال ۲۰۰۵، ۱۸/۵۲ میلیون دستگاه بود و در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲۰ میلیون دستگاه رسید و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ این رقم به حداقل ۱۴۰ میلیون

دستگاه برسد. بر اساس چنین توانایی عظیمی است که سیاست‌ها و اقدامات قدرت‌های بزرگ اکنون متوجه قاره آسیاست.

نزدیک به سه دهه است که کشورهای شرق آسیا، از جمله چین، از سیاست‌های تنش‌زا در منطقه اجتناب ورزیده و بر مسائل اقتصادی منطقه متمرکز شده‌اند و حضور غرب را زمینه‌ساز دو چندان شدن مشکلات و شکل‌گیری روابط غیر عادلانه در منطقه می‌دانند. البته این نگرش به غرب، مانع پیوند‌های آنان با غرب نشده و نگرانی اصلی کشورهای شرق آسیا نمی‌باشد. دغدغه اساسی این کشورها «نفت» و «بازارهای کشورهای منطقه» است. با بهره‌گیری از همین رویکرد است که از نظر اقتصادی کشورهای چین، هند، ژاپن و کره جنوبی، بعضاً به قدرت‌های هم‌تراز با غرب و شاید قوی‌تر از آنها مبدل شده‌اند. اگر آسیای توسعه یافته را شامل کشورهای فوق و کشورهای تازه صنعتی شده دیگر جنوب شرق آسیا، به عنوان یک منطقه در نظر بگیریم، می‌بینیم که این منطقه با داشتن ۲۶/۹ درصد تولید جهانی در مقایسه با سهم اروپا که ۲۴/۶ درصد و سهم امریکای شمالی که ۱۸ درصد است، به بزرگترین منطقه اقتصادی جهان تبدیل شده است. در کنار این کشورها، اقتصاد بزرگ چین و هند، آسیا را به مرکز جدید اقتصاد و توسعه جهان تبدیل کرده است. این منطقه هم اکنون به مرکز عمده انباشت سرمایه تبدیل گردیده و ظهور سرمایه داری آسیا-اقیانوسیه آرام، با روند رشد پایدار چین و ژاپن و رشد انفجاری سرمایه‌گذاری ژاپن و چین تبارها و شرکت‌های کره جنوبی در شرق و جنوب شرق آسیا، می‌رود که به ساختار قطب‌بندی اقتصاد جهان، چهره تازه‌ای بدهد (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بدون شک عوامل مهمی در توسعه این منطقه خصوصاً در توسعه چهار کشور مهم چین، هند، ژاپن و کره جنوبی دخیل بوده است که یکی از مهمترین این عوامل، وجود منطقه استراتژیک، بین‌المللی و مهم خلیج فارس هم به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک، هم به لحاظ دارا بودن منابع عظیم و بی‌نظیر انرژی، هم به دلیل ساکن بودن جمعیتی نسبتاً زیاد با بازاری بزرگ و پرمصرف، می‌باشد. خلیج فارس یکی از مناطقی است که از زمان‌های گذشته از منظر کشورهای مختلف، والاترین اهمیت ارتباطی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک را داشته است. از قرن بیستم، نفت نیز به اهمیت خلیج فارس افزود. منابع انرژی، این منطقه را به مخزن انرژی جهان و گرانیگاه منطقه خاورمیانه و عامل مهم امنیت ساز در اقتصاد جهانی

مبدل ساخته است. با پایان جنگ سرد اهمیت اقتصاد و انرژی بیش از گذشته نمایان شد و بحث ژئواکونومیک و مناطق جغرافیایی با منابع اقتصادی بیشتر، مورد توجه قرار گرفت. امروزه جهان ۴۱ درصد از مصرف نفتی خود را از حوزه خلیج فارس تأمین می کند و از آن رو که ذخایر نفتی بسیاری از کشورهای جهان در ۲۰ سال آینده کاهش می یابد، اهمیت کشورهای خلیج فارس، بیشتر نمایان خواهد شد. همچنین، حوزه خلیج فارس، میزان چشمگیری از دیگر منابع پر اهمیت انرژی جهان یعنی گاز طبیعی را نیز در اختیار دارد. پس از روسیه، به ترتیب ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان دارای بزرگترین ذخایر گاز جهان هستند.

در مجموع برخی ویژگی های ژئواکونومیکی خلیج فارس که آنرا در مرکز توجه قرار داده است عبارتند از: وجود منابع عظیم نفت و گاز، در آمدزایی و تأمین ارز از طریق فروش منابع و ذخایر برای کشورهای منطقه، مبادلات تجاری جهانی، تأمین سوخت کارخانجات کشورهای صنعتی، نقش آفرینی منابع انرژی خلیج فارس در توسعه آسیا و موقعیت استراتژیک بین المللی.

با تحول گفتمان سنتی ژئواستراتژیک به گفتمان نوین ژئواستراتژیک - ژئواکونومیک در قرن حاضر و ایفای نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی، نفت هم اکنون به عنوان مهم ترین ماده خام در تمدن صنعتی جهان در مقایسه با سایر عوامل قدرت، از جایگاه بالاتری برخوردار است. در این دوره نفت و گاز از صورت یک کالای اقتصادی صرف خارج شده و به صورت کالایی با ارزش و استراتژیک در آمده و از توازن و نقش آفرینی بیشتری در اقتصاد برخوردار شده است. با نگاهی به نقشه منابع انرژی جهان می توان گفت حدود ۶۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در کشورهای منطقه خلیج فارس قرار گرفته است. مطالعات حاکی از این واقعیت است که منابع هیدروکربوری تا سال ۲۰۵۰ مهم ترین عامل تأمین انرژی باقی خواهد ماند. طبق ارزیابی اخیر که بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۱۳ انجام داده، کل ذخایر اثبات شده نفت در جهان، حدود ۱۶۵۳ میلیارد بشکه برآورد شده است که حدود ۷۹۵ میلیارد بشکه آن در منطقه خلیج فارس قرار دارد، این مقدار معادل ۶۱ درصد از کل ذخایر نفت جهان است که بدون شک اهمیت آن در آینده به دلیل کاهش تولید نفت جهانی و ارزان و کم هزینه بودن تهیه و بهره برداری از نفت این منطقه، افزایش خواهد یافت. براساس پیش بینی ها، حداقل در ۲۵ سال

آینده، نگاههای جهانی به منطقه خلیج فارس دوخته خواهد شد. هرچند اکنون کشورهای صنعتی می کوشند تا با یافتن جایگزینهای دیگری چون نفت روسیه و حوزه خزر، از وابستگی خود به منابع خلیج فارس بکاهند، ولی در همان حال توجه دارند که دوام منابع انرژی در روسیه، خزر و دیگر نواحی جهان، در مقایسه با منابع انرژی خلیج فارس، پایدار نخواهد بود.

از جمله مناطق وابسته به نفت خلیج فارس کشورهای آسیایی چون چین، ژاپن، هند و کره جنوبی هستند. کشورهای چین و ژاپن بعد از آمریکا، دومین و سومین وارد کنندگان بزرگ نفت در جهان می باشند. علیرغم وابستگی این کشورها به منابع وارداتی انرژی، سطح رشد و توسعه مطلوبی در این کشورها جریان دارد، به حدی که چین رشد هفت درصدی، یعنی تقریباً بالاترین درصد رشد دنیا در شرایط کنونی را برای خود پیش بینی می کند. حضور چین کمونیست در خلیج فارس در آغاز تحت تاثیر مسائل سیاسی و ایدئولوژیکی مانند جنبش کمونیستی یمن و نظائر قرار داشت. اما بعداً و خصوصاً به دنبال بحران کویت، حضور اقتصادی و استراتژیک چین در این منطقه، جلوه بیشتری یافت. ژاپن به عنوان کشوری آسیایی که تمام انرژی نفت و گاز خود را وارد می کند، در سال ۱۹۸۶ میلادی ۵۸٪ وابستگی به نفت خلیج فارس داشت، این رقم با واردات ۹/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۲ به ۱۰۰ درصد رسیده است. هرچند این رقم در سالهای بعدی کاهش یافت، اما از اهمیت منابع انرژی خلیج فارس برای این سومین اقتصاد بزرگ دنیا کاسته نشده است. بر اساس آمار، هندیا ۸۰ درصد نفت خام مورد نیاز خود را از کشورهای خلیج فارس تامین می کنند و بخش اعظم تجارت ماورای دریای هند در این منطقه، با کشتی های هندی صورت می گیرد. مجاورت جغرافیایی، برای هند روابط اقتصادی تنگاتنگی با کشورهای خلیج فارس به دنبال داشته است که گاه، تحت تاثیر بحران های مختلف منطقه، علاوه بر مزایا، با زیان هایی نیز همراه بوده است. به طور نمونه به خاطر بحران کویت، بازگشت کارگران هندی از عراق و کویت، سه میلیارد دلار خسارت برای آن کشور به دنبال داشت. در آن مقطع تاریخی، هند حدود ۶۰۰ میلیون دلار اندوخته خود در بانک های کویت را از دست داد و ۸ میلیارد بدهی عراق به این کشور، در معرض خطر قرار گرفت و بازگشت ۲۰۰ هزار کارگر هندی این کشور را از درآمد ارزی مهمی محروم کرد. روابط هند با کشورهای منطقه خلیج فارس با اهداف گوناگون توسعه یافته

است. بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، در منطقه آسیای مرکزی خلاء قدرتی ایجاد شد که از نظر هندی ها با توسعه روابط با ایران در کنار مبادلات تجاری و نفت و گاز می توان در آنجا حوزه نفوذی کسب نمود. از طرف دیگر، هندوستان بعد از بحران کویت، روابط خود را با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مورد بازنگری قرار داد تا ضمن حفظ امنیت کارگران هندی در کشورهای شورای همکاری، تداوم ارسال نفت و گاز و افزایش مناسبات بازرگانی و سرمایه گذاری را تضمین نماید. کره جنوبی نیز با تامین بخش عمده انرژی مورد نیاز خود از کشورهای حوزه خلیج فارس و صادرات کالا به این منطقه، توانسته است روند توسعه خود را تسریع و تثبیت نماید.

در زمینه توسعه و رشد اقتصادی، وضعیت کشورهای آسیایی مثال زدنی است. به نظر جان نیزیت آنچه در آسیای شرقی رخ داده است، بهترین توسعه ای است که تا کنون در جهان اتفاق افتاده است. در گزارش سال ۱۹۹۳ بانک جهانی با عنوان "معجزه شرق آسیا" آمده است: "هیچ کجا و در هیچ زمانی در طول تاریخ بشریت، انسان ها نتوانسته اند به چنین پیشرفت اقتصادی سربعی دست یابند". در شرق آسیا و در طول چهار دهه گذشته، آنچنان توسعه ای اتفاق افتاده است که به گمان بسیاری از صاحب نظران، اعجاب آور بوده است. روندی که اغلب کشورهای غربی، در طی دو سده گذشته طی کرده بودند، در میان این دسته از کشورها، در طول سه دهه پیموده شد. میلیون ها انسانی که در این کشورها، در فقر مطلق به سر می بردند، تبدیل به شهروندانی مرفه در کشورهایی پیشرفته شدند. در توسعه کشورهای مهمی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی، عواملی چون دولت توسعه گرا، نخبگان، خصوصی سازی و فرهنگ بومی، به عنوان عامل توسعه، مورد شناسایی قرار گرفته و در کنار این عوامل، نقش انرژی به عنوان محرک صنایع و توسعه اقتصادی، حائز اهمیت می باشد. با توجه به موارد و مطالب ذکر شده و با عنایت به اینکه این کشور ها، وارد کننده انرژی بوده و بخش اعظم انرژی مورد نیاز آنها از منطقه خلیج فارس تامین می شود و نیز با توجه به حجم مبادلات تجاری آنها با کشورهای حوزه خلیج فارس، سوالی که مطرح است اینست که چگونه خلیج فارس بر توسعه در این کشورهای مهم آسیایی تاثیر گذار بوده است؟